

گزیده‌ای از

احتجاج طبری

أبو منصور احمد بن علی طبرسی

گزینش و ترجمه:

سید محسن طباطبایی

سرشناسه	طبرسی، احمد بن علی، قرن ۶ ق.
عنوان و نام پدیدآور	گزیده‌ای از احتجاج طبرسی / گزینش و ترجمه سید محسن طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۶۸ ص.
شابک	978-964-440-583-9
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
عنوان قراردادی	الاحتجاج. فارسی. برگزیده.
موضوع	اسلام -- ردیه‌ها.
موضوع	Islam -- Controversial literature
موضوع	شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.
موضوع	Shī'ah -- Controversial literature
شناسه افزوده	طباطبایی، سید محسن، ۱۳۵۳ - ، گردآورنده، مترجم.
رده‌بندی دیویدی	۱۳۹۵ ۳۰۴۲۱۶ الف ۲/ط ۴/۴ BP۲۲۸
رده‌بندی دیویدی	۲۹۷/۴۱
شماره کتابشناسی	۱۲۱۹۱۰

نام کتاب: گزیده‌ای از احتجاج طبرسی

مؤلف: ابومنصور احمد بن علی طبرسی

گزینش و ترجمه: سید محسن طباطبایی

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵ ه.ش.

صفحه و قطع: ۱۶۸ صفحه، رقعی

چاپ: چاپخانه گلپان

ناشر: دارالکتب الاسلامیه - تهران - خیابان پامناز - کوچه بنی‌هاشم - پلاک ۱۲ -

تلفن: ۳۳۹۱۶۹۴۴

فروشگاه ۱: تهران - بازار سلطانی - طبقه اول - شماره ۲۹ - کدپستی ۱۱۶۱۶۵۳۶۳۴ -

تلفن: ۵۵۶۲۷۴۴۹ تلفکس: ۵۵۶۲۰۴۱۰

فروشگاه ۲: تهران - خیابان انقلاب - مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران - بازارچه کتاب -

شماره ۱۰ - کدپستی ۱۳۱۴۶۶۳۶۵۸ - تلفن: ۶۶۴۰۸۴۴۱

WWW.darolkotob.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک ۹-۵۸۳-۴۴۰-۹۶۴-۹۷۸-978-964-440-583-9 ISBN



فهرست مطالب

۹ مقدمه
۱۳ مقدمه مؤلف
۱۹	فصل اول: توحید
۱۹ ۱. هاید و گروه
۲۴ ۲. سجدت بر یک آیه
۲۵ ۳. هدایت اهد مسیح
۲۷ ۴. سوالی مختصر و مفید
۲۷ ۵. یک تخم مرغ کافرست
۲۸ ۶. بنده کدام خدایی؟
۳۰ ۷. مناظره یا بی ادب
۳۱ ۸. چند برهان توحیدی
۳۴ ۹. اسماء و صفات پروردگار
۳۴ ۱۰. توحید افعالی
۳	فصل دوم: صفات خداوند
۳۵ ۱۱. خدا کجاست؟
۳۷ ۱۲. اثبات خدا و صفات او
۴۰ ۱۳. نام و صاحب نام
۴۰ ۱۴. اراده تشریحی
۴۱ ۱۵. عدل جزائی

۴۲. ۱۶. اراده الهی
۴۳. ۱۷. آدم به شکل اوست!
۴۴. ۱۸. قضای حتمی و غیر حتمی
۴۵. ۱۹. جبر یزیدی
۴۵. ۲۰. امر بین الأمرین
۴۷. فصل سوم: ادیان و انبیای الهی
۴۷. ۲۱. برتری رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر جمیع انبیا
۴۹. ۲۲. صمت انبیا
۵۳. ۲۱. شبهه کذب در کلام برخی انبیا!
۵۳. ۲۴. انز و تنب آسمانی
۵۵. ۲۵. مناظره امام علیه السلام با علمای ادیان
۶۶. فصل چهارم: قرآن و تفسیر
۶۷. ۲۶. دشمنی یهود با جبرئیل
۶۷. ۲۷. برخی شبهات قرآنی
۷۰. ۲۸. سلونی قبل أن تفقدونی
۷۲. ۲۹. قصاص و زندگی
۷۲. ۳۰. احوال برزخ
۷۳. ۳۱. اهلیت فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله
۷۴. ۳۲. معاد جسمانی
۷۵. ۳۳. مفسر نادان
۷۶. ۳۴. آنچه ابلیس ندید
۷۷. ۳۵. اختیار انسان به اذن خداست
۷۷. ۳۶. روایات متشابه

- فصل پنجم: اهلیت علیه السلام ۷۸
۳۷. مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۸
۳۸. اقصاکم علی علیه السلام ۷۹
۳۹. اعتراف خلیفه ۸۰
۴۰. احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام بر ابوبکر ۸۱
۴۱. در شورای شش نفره چه گذشت؟ ۸۷
۴۲. نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه ۱۰۰
۴۳. سابقه مظلومیت ۱۰۱
۴۴. حکم عمل امام ۱۰۲
۴۵. شبهه سر زینب علیه السلام در کوفه ۱۰۳
۴۶. امام سجاد علیه السلام و بر مرد شامی ۱۰۵
۴۷. حضرت زینب علیه السلام مع اس یزید ۱۰۶
۴۸. فضیلت و مظلومیت علیه السلام نهایت ۱۰۷
۴۹. ظلم و بی انصافی ۱۰۹
۵۰. تمسخر به خدا! ۱۱۰
۵۱. آل علی علیه السلام و بنی عباس ۱۱۰
۵۲. اعتقاد و احترام هارون! ۱۱۳
۵۳. سلام بدر جان ۱۱۵
۵۴. علم امام قبل از امامت ۱۱۶
۵۵. واسطه فیض الهی ۱۲۱
۵۶. برائت از غلات ۱۲۲
- فصل ششم: خلفا و صحابه ۱۲۴
۵۷. اعتراض پدر ابوبکر ۱۲۴
۵۸. عشره مبشره ۱۲۵

۱۲۵. ۵۹. قاتل و مقتول در جهنم!
۱۲۷. ۶۰. مکر معاویه
۱۲۷. ۶۱. کفر دشمنان علی علیه السلام
۱۲۸. ۶۲. مغالطات خوارج
۱۳۰. ۶۳. مظلومیت پیروان اهل بیت
۱۳۴. ۶۴. احتجاج بر افضلیت
۱۳۸. ۶۵. دفن در حجره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۳۹. ۶۶. آیه غار
۱۴۲. فصل هفتم: مطالب متفرقه
۱۴۲. ۶۷. چنانچه مؤمن دینی
۱۵۱. ۶۸. ازدواج فرزندان آدم
۱۵۱. ۶۹. قبله و تغییر آن
۱۵۳. ۷۰. لزوم تقيه
۱۵۴. ۷۱. ظرافت تعبیر
۱۵۴. ۷۲. موعظه خویشین
۱۵۵. ۷۳. دیدار خدا
۱۵۶. ۷۴. اختلاف امتی رحمة
۱۵۶. ۷۵. مدعیان جاهل
۱۶۰. ۷۶. علم ابوحنیفه
۱۶۲. ۷۷. مؤمن الطاق و ابوحنیفه
۱۶۳. ۷۸. تقلید صحیح و باطل
۱۶۴. ۷۹. توفیق شریف
۱۶۶. ۸۰. مناظره سید مرتضی با معری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ
 عَلٰی اَرْفِ الرَّسُولِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِیْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ
 سِیَّمَا بَقَّةِ الْاَنْبِیَاءِ فِی الْاَرْضِیْنَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرْجَهُ الشَّرِیْفِ

مقدمه

درباره کتاب

کتاب شریف «الإحتجاج» کتابی است کلامی به زبان عربی، مشهور به «احتجاج طبرسی» اثر شیخ ابومنصور احمد بن علی بن ابراهیم طالب طبرسی از محدثین موثق و علمای بزرگ نیمه اول قرن ششم هجری قمری. این کتاب شامل احتجاجها و مناظرات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام اظهاری علیها السلام و استدلال‌های برخی از اصحاب ائمه در برابر مخالفان مسلمان و پیروان ادیان غیر اسلامی، نسبت به اصول و فروع دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری است. نام دیگر کتاب «الاحتجاج علی اهل اللجاج» است.^۱

۱ - این عنوان در خطبه مؤلف ذکر نشده است اما جمعی از بزرگان و مؤلفان از این کتاب به همین نام

مطالب این کتاب در چند بخش تنظیم شده است که عبارتند از:

۱. مقدمه شامل: اخباری متضمن نهی از جدل و مناظره و نکوهش آن، و انگیزه تالیف کتاب.
۲. بخش اصلی کتاب: احتجاج‌ها و استدلال‌های مأثور از پیامبر مکرم اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره اصول و فروع دین اسلام و مذهب حقّه شیعه با افراد مختلف و مخالف.
۳. بخش پایانی: احتجاج‌های صاحب الزمان علیه‌السلام و مکاتبات ایشان در زمان عیاش صری چند احتجاج از علمای شیعه.

درباره مؤلف

تاریخ تولد و وفات ایشان مشخص نیست، علامه سیدمحمد بحرالعلوم، با توجه به تاریخ ولادت و متعلق معاصران و شاگردان، او را از رجال می‌داند که اوائل قرن ششم هجری قمری را درک کرده‌اند و معاصر با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی، صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان می‌باشد. بعضی او را از اهالی طبرستان و برخی اهل طبرستان همان تفرش امروز می‌دانند که نظر دوم دقیقتر است. وی مورد اعتماد بزرگان چون شهید اول، شیخ حر عاملی و سید محمد بحرالعلوم و خوانساری صاحب *روضات الجنات* است که او را به صفاتی چون عالم، فاضل، فقیه، محدث و ثقة ستوده و او را از اصحاب بزرگ شیعه دانسته‌اند. از شاگردان مشهور وی، ابن شهر آشوب، عالم بزرگ قرن ششم هجری است.

ترجمه فارسی

این کتاب - ظاهراً - برای نخستین بار در زمان شاه طهماسب صفوی، توسط علی بن حسین زواری اصفهانی با عنوان «کشف الاحتجاج» به فارسی ترجمه شده است. ترجمه مشروح دیگر به قلم نظام الدین احمد غفاری مازنی رانم از علمای قرن دهم هجری است که در ۴ جلد چاپ شده و ترجمه معاصری که توسط آقای بهراد جعفری در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی در حدود ۱۳۰۰ صفحه صورت گرفته و از نظر کمیت و کیفیت، کمی سنگین است.

ویژگی های اثر، مه رتخیص حاضر

با توجه به نکات زیر، اینس مطالب «احتجاج» و بازترجمه آنها ضروری به نظر رسید:

۱. حذف مطالب تفسیری، احکامی و تاریخی که در عین مفید بودن خارج از موضوع احتجاج بودند.
۲. حجم مناسب جهت مطالعه عموم علاقمندان به حوزه جوانان و دانشجویان محترم.
۳. تنظیم مطالب بر اساس موضوع جهت سهولت دسترسی به احتجاج مورد نظر.
۴. حذف مطالب تکراری یا دارای تناسب کمتر با مخاطبان مورد نظر.
۵. ترجمه روان و مطابق قواعد ادبی امروزی، گرچه از ترجمه های

سابق نیز استفاده شده است.^۱

در پایان، ضمن ادای شکر بی کران به درگاه حضرت احدیت، مغفرت برای مرحوم مؤلف، سلامت و توفیق بیشتر برای علمای اعلام و حافظان شریعت اسلام و تعجیل در ظهور منجی عالم بشریت را از او خواستارم و از شما و خوانندگان محترم انتظار ارشاد و تذکر خطاهای احتمالی را دارم.

لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^۲

سیدمحسن طباطبایی

شهریور ۱۳۹۴

۱ - در ترجمه قرآن کریم و نهج البلاغه از ترجمه حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی (دامت برکاته) استفاده شده است.

۲ - قصص: ۷۰

قال الله تعالى في كتابه الكريم: «أذع إلى سبيل ربك بالحكمة
والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن»^۱

مقدمه مؤلف

حمد و سپاس آن بزرگواران ایزد متعال را و سلام و صلوات فراوان بر رسول
خاتم صلوات الله عليه و وصی بر حق و هدیست طاهرین ایشان علیه السلام که حجج پروردگار
و بهترین پیشوایان بشرند.

آنچه مرا به تألیف این کتاب واداست انصراف جمعی از شیعیان از بحث
و گفتگو و جدال به حق بود، با این تصور که «بمیر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام
هرگز بحث و مناظره نکرده‌اند و شیعیان نیز مجاز از این کار نیستند!» بنا بر
این بهتر دیدم کتابی تألیف کنم که حاوی بخشهایی از گفتاری دینی ایشان با
مخالفان باشد، که در آن با بهترین شیوه، کلام حق را بیان کرده‌اند و مشخص
شود که فقط افراد ضعیف و کم اطلاعند که نباید در مناظرات وارد شوند و الا
عالمان آگاه و قوی از طرف آن بزرگواران علیهم السلام مأمورند که در برابر دشمنان
بحث و مناظره و مبارزه کنند.

آیاتی از قرآن در لزوم بحث و مجادله نیکو

خداوند تبارک و تعالی در قرآن خطاب به پیامبر خود می‌فرماید: «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن»^۱. و نیز: «با اهل کتاب جز به روشی که همه نیکوتر است مجادله نکنید»^۲. و «آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی که با ابراهیم درباره پروردگارش جدل کرد؟»^۳. تا آنجا که فرمود: «اینها دلایل ما بوده به ابراهیم در برابر قومش دادیم»^۴. و آیات دیگری که در آنها امر به استدلال فرموده است.^۵

احادیثی در فضیلت علمای شیعه

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ناگوارتر از یتیمی کسی که پدرش را نداند، یتیمی کسی است که از امامش دور باشد، توان وصول به او را نداشته و پاسخ مسائل دینی اش را نداند، پس بدانید عالم شیعه‌ای که این فرد ناآگاه را ارشاد و هدایت کند، همراه ما در درجات والای بهشت خواهد بود»^۶.

همچنین آن حضرت به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هر یک از شیعیان ما که عالم به مسائل دینی باشد، پس شیعیان کم‌اطلاع را ارشاد و هدایت کند، همراه ما در درجات والای بهشت خواهد بود»^۷.

۱ - «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» نحل: ۱۲۵

۲ - «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» عنکبوت: ۴۶

۳ - «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ» بقره: ۲۵۸

۴ - «وَوَيْلٌ لِّكُم مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أَن يَكْفُرُوا بِمَا فِي أَنفُسِهِم» انعام: ۸۳

۵ - الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۵ و عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۶ و بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲

۶ - الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۶

جهل و نادانی به نور هدایتی که نصیبش کردیم هدایت کند، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که تاجی بر سر دارد و نور آن تمامی اهل محشر را روشن سازد، و جامه‌ای بر تن دارد که تمام دنیا و ما فیها، با رشته‌ای از آن برابری نمی‌کند. سپس منادی فریاد کند: ای بندگان خدا این عالم، یکی از شاگردان علمای آل محمد است، پس هر که در دنیا از علم او بهره‌مند شده، اینجا هم به نور او راهنمده شود.»

امام حسین علیه السلام فرمود: «یتیمی از شیعیان که از بزرگانش دور افتاده و گرفتار حیرت‌انگیزان شده، فضیلت کسی که او را سرپرستی و راهنمایی کند و جهل و شبهات او را برطرف نماید، همچون برتری خورشید بر سُهاست.»^۱

امام حسین علیه السلام فرمود: «کسی که سرپرستی یتیمی از ما را بر عهده گیرد که رنج غیبت، ارتباطش را از ما بریده و با علم ما او را همراهی و یاری کند تا ارشاد و هدایت شود، خداوند عزوجل به او فرماید: «ای بنده کریم من که به برادرت یاری نمودی، من به کرم از تو سزاوارم. من فرشتگانم برای او در بهشت به تعداد هر حرفی که تعلیم داده هزار هزار حسرت برده‌ام و از سایر نعمتها نیز در خور آن قصرها به آن بیفزایید.»

امام کاظم علیه السلام فرمود: «فقیهی که در پی نجات یتیمی از ایتام است، رأید، و او را در مسائل مورد نیازش آموزش دهد، از هزار عابد بر ابلیس سخت‌تر است. زیرا عابد تمام توجهش به نجات خویش است، اما فقیه علاوه بر خود به فکر بندگان خداست، تا آنان را از چنگ ابلیس و یارانش نجات دهد، به

۱ - سُهّا: ستاره کم نوری در کنار ستاره عناق در صورت فلکی ذب اکبر که در قدیم قوت چشم را با آن امتحان می‌کردند.

همین خاطر او نزد خدا از هزاران زن و مرد عابد برتر است.»^۱

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بهترین توشه‌ای که شخص عالم و محبّ ما برای روز فقر و حاجت خود ذخیره می‌کند، حمایت علمی از دوستان ناتوان ما و نجات ایشان از چنگ دشمنان خدا و رسول اوست؛ در این صورت، وقتی از قبر برخیزد فرشتگانی را مشاهده کند که از محل قبر تا بیگاهش در بهشت برین صف کشیده‌اند و به او می‌گویند: آفرین بر تو، در شان حالت ای کسی که دشمن خوبان را مقهور ساختی و از پیشوایان خود حمایت زوری!»^۲

از امام عسکری علیه السلام نقل است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هر کس بنده‌ای عاجز از علم و عرفان را تقویت و در برابر مخالفان تجهیز نماید، خداوند نیز هنگام سؤال در قضا، او را تلقین فرماید که بگوید: الله پروردگار من، و محمد پیامبرم، و علی بن ابی طالب امام و کعبه قبله من و قرآن مایه سعادت و پشتوانه من است و مؤمنان بر ارازم هستند. پس خدا می‌فرماید: سخن حق را بیان کردی، پس مقامات رفیع بهشت برایت واجب شد. در آن حال قبر او به یکی از باغهای خوش منظره بهشت تبدیل می‌گردد.»^۳

بخشی از احتجاج های قرآن کریم

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: نزد حضرت صادق علیه السلام سخن از مناظره مطرح شد و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از آن نهی کرده‌اند؛ ایشان فرمود: از جدل و مناظره به صورت مطلق نهی نشده است، بلکه از

۱ - الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۷

۲ - الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۰

۳ - الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۸

جدال ناروا و ناشایست نهی شده، مگر تشنیدید که خدا می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ و همچنین: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۲ پس مناظره شایسته همان است که علما آن را بخشی از دین قرار دادند و جدال ناشایست آن است بر پیروان ما حرام شده، چگونه امکان دارد که مناظره مطلقاً حرام باشد در حالی که قرآن از آن بیهوده و نصاری برهان طلب می‌کند، آیا می‌شود که بدون جدال نیکو، برهان آورد؟

پرسیدند: یا ای رسول الله، جدال درست و نادرست چیست؟ فرمود: جدال ناشایست آن است که فقط حرف طرف مقابل را انکار کنی، بدون آن که به حجت قطعی و عقاید صحیحی توجیه داشته باشی، حتی گاهی کلام حقی که او برای تأیید خودش ستفاد می‌کند، انکار کنی چون راه گریزی جز این نداری! چنین جدالی بر پیروان ما حرام است، نه با ضعیف و نه با قوی از مخالفان چنین مجادله نکنید.

اما جدال نیکو همان است که خداوند به پیامبرش در بحث با منکران قیامت آموخت: پس برای ما مثالی زد و آفرینش خور را برامه‌اش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید و زنده کرد به هر مخلوقی داناست»^۳. یعنی آیا خدایی که این استخوانها را بدون پیشینه و

۱ - عنکبوت: ۴۶

۲ - نحل: ۱۲۵

۳ - «وَضَرَبْنَا لَنَا مَثَلًا وَ نَبِيًّا خَلَقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»

یس: ۷۸-۷۹

سابقه‌ای به وجود آورده است، از بازگرداندن ذرات پوسیده و متلاشی آن عاجز است؟ خلقت اولیه که نزد شما دشوارتر از اعاده و بازگرداندن است. سپس فرمود: «همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می‌افروزید»^۱ یعنی وقتی خداوند آتش داغ را در درخت سبز و تازه پنهان کرده، سپس آن را بیرون می‌آورد، با این کار به شما می‌ماند که همو بر اعاده خلقت و احیای آنچه پوسیده نیز قادر و توانا است. پس پرسید: «آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی‌تواند همانند آنان (آسمانها، خا، شده) را بیافریند؟ آری (می‌تواند)، و او آفریدگار داناست»^۲ یعنی شما که فکر می‌کنید خلقت آسمانها و زمین مشکلتر از زنده کردن استخوان پوسیده است، چگونه خلق جهانی با این همه شگفتی را از خداوند جایز می‌شمارید ولی استخوان پوسیده که نزد شما آسانتر است را روا نمی‌دارید؟!

سپس حضرت صادق علیه السلام ادامه دادند: اینها مناظره با روش نیکوست، زیرا موجب رفع شبهات و پاسخی قاطع به عذر کافران است.^۳

۱ - «الذي جعل لكم من الشجر الأخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون» یس: ۸۰

۲ - «أو ليس الذي خلق السماوات والأرض يقادر على أن يخلق مثلهم بلى و هو الخلاق العليم» یس: ۸۱

۳ - الإحتجاج، ج ۱، ص ۲۲